

## بررسی نقش مربیان پرورشی و معلمان در تربیت دینی دانش آموزان

بتول کمبری<sup>۱</sup>، رضا کمبری<sup>۲</sup>، عارف صیفی زاده دوره<sup>۳</sup>، مهدی کریمی<sup>۴</sup>

۱- مربی تربیتی طرح شهید بهنام محمدی آموزش و پرورش منطقه گواور

۲- مدیر دبستان مدارس ناحیه ۲ خرم آباد

۳- دبیر آموزش و پرورش خرم آباد

### چکیده

در تربیت دینی دانش آموزان، دو عامل خانواده و مکتب نقش بسیار برجسته تری نسبت به دیگر عوامل دارند و در واقع این دو عامل هستند که شخصیت افراد را شکل می دهند. در مدرسه هم این معلم است که نقش برجسته تری نسبت به سایر عوامل دارد. با توجه به اینکه تربیت دینی به «شناخت آموزه های دین، تبدیل این شناخت ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی» تعریف شده است. با توجه به اهمیت مدرسه به عنوان یک نظام اجتماعی و نقش آن در رشد اخلاقی و معنوی و تربیت دینی دانش آموزان در این پژوهش تلاش شده راهکارهایی برای دستیابی به این تربیت اخلاقی، معنوی و دینی ارائه شود، بنابراین با استفاده از روش تحقیق توصیفی با تکیه بر مبانی نظری به تحلیل و سپس نتیجه گیری پرداخته و در پایان راهکارهایی برای جلوگیری از آسیب های تربیت دینی در مدرسه ارائه شده است. روش گردآوری اطلاعات به شیوهی کتابخانه ای بوده است. این پژوهش نشان می دهد که معلم می تواند با تقویت روحیه ی حق گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش آموزان، الگو دهی رفتاری به آنان و انتخاب شیوهی مناسب در میان آموزه های دینی و پاسخ مناسب به پرسش ها و شبهه ها، دانش آموزان را در راستای تربیت دینی هدایت کند. از معمول ترین شیوه های آموزش و پرورش تربیت دینی از زبان معلمان و مربیان است؛ زیرا کودک با معلم یا مربی، بهتر و راحت تر ارتباط برقرار می کند و تأثیر نقش این افراد، در روحیه و ذهن بشر غیر قابل انکار است.

واژه های کلیدی: مربیان پرورشی، تربیت دینی، دانش آموزان

## مقدمه

هدف نهایی نظام آموزشی در سراسر دنیا تعلیم و تربیت افراد به منظور حضور مؤثر در جامعه و انتقال هویت فرهنگ ارزش ها و اصول حاکم بر کشور است به نحوی که نظام آموزش و پرورش گروه های دانش آموزی را در مدارس و کلاس های درس گردهم می آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی رغم آنکه در ظاهر فراگیری علم و ترویج شاکله های آن مهم ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می آیند با این حال نباید از یاد برد که نظام آموزشی نقش مهمی در جامعه پذیری افراد ایفا می نماید.

کلمه ی تربیت به معنای پروردن و آموختن به کار رفته است و اغلب منابع موجود در زمینه ی تربیت از دیدگاه اسلام، آن را به معنای زمینه سازی برای شکوفایی استعدادهای انسان و بالفعل نمودن آنها در نظر گرفته اند. برخی صاحب نظران با استناد به آیات قرآن، کلمه تربیت را از ریشه «رب» به معنای صاحب و پرورش دهنده در نظر گرفته و تربیت دینی را به معنای شناخت خدا به عنوان «رب» و تن دادن به ربوبیت او و طرد ربوبیت غیر او استنباط نموده اند.

از دیدگاه اسلام عوامل محیطی، صاحب نقش اساسی در تربیت انسان هستند. عوامل محیطی را می توان به سه نهاد خانواده، جامعه و مدرسه تقسیم کرد. در این میان، نهاد مدرسه که متولی جریان رسمی تعلیم و تربیت است نقش بی بدیلی را در این باره می تواند ایفا کند.

جامعه ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعدادهای شان را شکوفا سازند. شیوه ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه ی ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان کار ساده ای نیست. لذا لازم است همه ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند.

در جامعه کنونی و در عصر اطلاعات و فضای مجازی اهمیت تربیت فرزندان بسیار حایز اهمیت می باشد. می بایست پدر و مادر و آموزگاران با رفتار صحیح الگوی مناسبی برای کودک و نوجوانان باشند. آموزه های دینی بر نقش مهم پدر و مادر بر تربیت دینی کودکان تأکید دارند. امروزه آموزش و پرورش تلاش دارد تا از طریق روش آموزشی مناسب و نظام سازمان یافته خود، به نیازهای دانش آموزان پاسخ گوید.

نقش شگفت انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، شکوفایی استعدادها و ارزش های والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی همه مرهون تربیت دینی صحیح است. (کاردان، ۱۳۸۷).

نهاد آموزش و پرورش یک کشور نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اگر چه شکل گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاماً وابسته به تعلیم و تربیت نیست؛ لکن باید اذعان داشت بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می گیرد. در واقع تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه ای همه جانبه می توان در زندگی انسان ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مورد مشاهده، بحث و بررسی قرار داد. تربیت دینی، تربیتی بر اساس مفاهیم و معیارهای دینی است. تربیت دینی، در یک معنا فراهم کردن فرصت های طبیعی و درون یاب است تا افرادی خود با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه الهی بخش دین را کشف نمایند. تربیت و خصوصاً تربیت دینی یکی از ضرورت های عصر حاضر است که با رویکردی نوین تلاشی جدی می طلبد. امروزه شیوه های آموزش و تربیت دینی از شکل سنتی و ابتدایی متحول گردیده به طوری که خانواده از یک سو و به شکل غیر رسمی به تربیت و آموزش دینی فرزندان می پردازد و از سوی دیگر دستگاه ها و نهادهای مختلف تعلیم و تربیت همچون آموزش و پرورش، عهده دار آموزش و پرورش تربیت دینی در جامعه هستند. نهاد آموزش و پرورش بنا به رسالتی که دارد عهده دار تعلیم و تربیت فرزندان جامعه است و در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، انتقال و تعمیق ارزش های دینی و انسانی به نسل فردا از بدیهی ترین انتظاراتی است که می توان از نهاد آموزش و پرورش داشت.

نظام آموزشی موجود باید با گنجاندن مفاهیم و مضامین دینی به شیوه های مناسب و به دور از شیوه های کهنه و سنتی و بدون اثر، پایه های اعتقادی و اخلاقی دانش آموزان را مبتنی بر ساختار تحول روانی آنها و با اتخاذ روش های فعال و موثر تحکیم بخشد. (کریمی، ۱۳۷۳).

این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است، بر آن است ضمن تعاریفی از تربیت و تربیت دینی به نقش مدرسه و معلمان در تربیت دینی دانش آموزان بپردازد.

### شیوه تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی است. نگارنده ابتدا به فیش برداری از موضوعات مرتبط پرداخته و بعد از اتمام فیش برداری به تلفیق و دسته بندی آن ها و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته و در پایان از بررسی های انجام شده در این آثار نتیجه گیری های لازم به عمل آمده است که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

### تربیت

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمامی ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و تدریجا به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند. (امینی، ۱۳۷۳)

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. تربیت باید تابع و پیرو فطرت یعنی تابع و پیرو سرشت و طبیعت شیء باشد. (مطهری، ۱۳۶۸).

تربیت عبارت است از فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی، به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت های وی و پرورش شخصیت او در جنبه های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و... در این تعریف چند نکته مورد توجه می باشد:

-تربیت، فعالیت و عمل است و به آن به عنوان یک واقعیت نگریسته شد.

-تربیت فعالیت هدفمند و برنامه ریزی شده است.

-تربیت دوسویه و در اثر تعامل مطلوب و تأثیر و تأثر متقابل مربی و متربی محقق می شود.

-تربیت دارای عناصری است و عناصر اصلی آن مربی و متربی است بدون وجود این دو، تربیت معنا پیدا نمی کند. البته در اینجا مراد از مربی، صرف معلم و مربی انسانی نیست؛ بلکه شامل سایر عوامل تأثیرگذار نیز می باشد.

-هرچند تربیت دوسویه است، اما غرض اصلی کمک به متربی و پرورش وی است.

-هدف تربیت شکوفا نمودن و پرورش قابلیت های متربی در همه ابعاد گوناگون وی است و نگاه بخشی به تربیت و تمرکز آن بر بعد خاصی از ابعاد متربی، نوعی عدول از تربیت مطلوب است. (کریمی، ۱۳۹۱).

### تربیتی دینی

تربیت دینی فرایندی است دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره گرفتن از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام بردارد و به سوی هدف های مطلوب رهنمون گردد. (ماهرزاده، ۱۳۸۰).

تربیت دینی یعنی شناخت آموزه های دین، تبدیل این شناخت ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی در نتیجه، افراد در فرایند تعلیم و تربیت دینی، به گونه ای تربیت می شوند، که در گرایشاتشان نسبت به زندگی، اعمال و تصمیماتشان و در برخورد با تمام امور، همواره حاکمیت ارزش های الهی را احساس کنند. در چنین نظامی علاوه بر ایجاد نظم ذهنی، دانش آموزان به گونه ای تربیت می شوند که دانش را صرفا برای ارضای کنجکاوای های فکری یا منافع دنیوی کسب نمی کنند، بلکه منطقی و متقی بار می آیند و فراهم آوردن موجبات رفاه مادی، معنوی و اخلاقی خانواده، ملت، خود و دیگران را وجهه همت خویش قرار می دهند. در این نوع از تربیت، هدف تنها کسب معرفت نیست؛ بلکه رشد و شکوفایی موزون همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار دارد.

«نخستین آثار مذهبی کودک در ایران، به دوران قبل از اسلام و عهد هخامنشیان می‌رسد که برای باورمند کردن کودکان به مذهب و اسطوره‌های مذهبی ساخته می‌شدند و پس از پذیرش اسلام با آموزش قرآن کریم به کودکان در تحکیم این دین در دل‌های آنان کوشیدند. پس کتاب‌هایی مانند قصص الانبیاء و سرگذشت ائمه به زبان روان و قابل فهم برای کودکان تدوین یافت.» (محمدی، ۱۳۸۲).

به اعتقاد برخی از متخصصان تعلیم و تربیت، تربیت دینی آن جنبه از تربیت است که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد، آنان را پایبند به اصول و عامل به فروع بار می‌آورد و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور می‌سازد. (احمدی، ۱۳۷۴).

دسته‌ای دیگر از متخصصان تعلیم و تربیت با توجه به نظریه‌ها و دستاوردهای علمای رشدشناس (پیازه و اینهلدر) در تبیین تحول دینی، تربیت دینی را تعریف کرده‌اند. به اعتقاد آنان تربیت دینی عبارت است از شناخت مراحل و چگونگی رشد و تحول دینی و مذهبی کودک به صورت منظم و هدایت شده، به نحوی که این شناخت در جهت درک و شکوفایی احساس، ارزش و تجارب مذهبی کودکان، ما را یاری رساند. علاوه بر این، شناخت موانع و عوامل بازدارنده تحول و دگرگونی این متغیرها و به عبارتی عوامل بازدارنده رشد و تحول مذهبی نیز جزء تربیت مذهبی است به بیان دیگر تربیت مذهبی، تسهیل‌سازی و هدایت استعداد عمومی تحول مذهبی شاگردان را در برمی‌گیرد. (کردی، ۱۳۷۸).

### ضرورت تربیت دینی برای دانش آموزان

تربیت دینی دانش آموزان و کودکان امری ضروری و لازم است و این ضرورت لااقل از دو دید فردی و اجتماعی قابل بررسی است. تربیت دینی کنترلی برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی و زمینه‌ای برای رشد معنویت و آرمان‌گرایی است. همچنین دین می‌تواند تقویت‌کننده جنبه فراخود یا وجدان اخلاقی طفل باشد.

در جنبه اجتماعی، دین عامل انس و الفت است و زمینه را برای انسان دوستی، همدردی و استحکام بخشیدن به روابط را فراهم می‌آورد. دین عامل کنترلی برای فرد است که در اجتماع خود را از شرارت و مفاسد دور نگه دارد. (قائمی، ۱۳۶۴). انسان همواره نیازمند دستیابی به تکیه‌گاه و کانونی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای درونی، به او آرامش بخشد. دین و باور به خدا، یک نیاز متافیزیکی و روان‌شناختی است که قدرت عظیم و بی‌پایانی به انسان می‌بخشد و در بحران‌های فکری و تنش‌ها و فرازها و نشیب‌های حیات، یاری‌گر وی بوده، قادر است او را به ساحل نجات رهنمون گردد؛ لذا تربیت دینی از ضروریات جامعه انسانی بوده و هست.

تربیت دینی دانش آموزان باید مورد بازنگری قرار گرفته و با شناخت و مهار عوامل مخل و آسیب‌زا آن را در مسیر درست هدایت نموده و از آن‌جا که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مدرسه یکی از موسسات اجتماعی و تربیت‌پذیر نمودن افراد است، تربیت دینی دانش آموزان در جهت صحیح و درست می‌تواند یکی از وظایف نهاد مدرسه باشد؛ بنابراین در ضرورت تربیت دینی باید گفت که این دین و اخلاق است که آدمی را از مخمصه‌های بزرگ نجات می‌دهد و نیرویی است قدرتمند در جهت کنترل انسان از وارد شدن در مفاسد و لغزش‌ها، زیرا فقر اخلاقی و مذهبی از شدیدترین نوع فقرهاست و محرومیت از آن مصیبتی بس بزرگ و نگران‌کننده است.

### نقش آموزش و پرورش در تربیت دینی

تقویت مبانی مذهبی و اخلاقی، پرورش تن و روان، آموزش و مهارت‌های علمی، فنی و هنری، تفکر درست و منطقی، آشنایی با مبانی ملی و میراث تاریخی و مهیا ساختن جوانان برای احراز شغل از جمله اهداف نظام‌های آموزشی جهان است. (فرجاد، ۱۳۷۶)

در نظام آموزشی تعلیم و تربیت یا هر نوع اقدام سازنده اجتماعی برای خلق محیطی مطلوب است که تعاملات و ارتباطات آن در سطح مطلوبی انجام شود و ویژگی‌های یک جامعه استاندارد در آن تعریف شده باشد جامعه‌ای منظم و هدفمند که افراد در آن دارای رفتارهای سالمی هستند و دارای کیفیت زندگی مطلوبی می‌باشند این گونه می‌توان جامعه‌ای با این خصوصیات را جامعه‌ای سالم نامید عوامل متعددی چون رشد دانش و تکنولوژی، رشد نظام تربیتی، پرورش اعتقادات دینی درست،

برقراری نظم و امنیت جامعه، اهمیت به حقوق افراد، نهادهای جامعه هدفمند... به نحوی می توان گفت که برای ایجاد چنین شاخص ها برای یک جامعه سالم نظام اصلاح و تربیتی از ارکان اصلی است و با پرورش آن می توان سایر ویژگی های دیگر جامعه سالم را تحقق بخشید.

ساخت جامعه سالم یک هدف اجتماعی است که باید افراد و سایر بخش های جامعه با پیروی از برنامه های اجتماعی درست آن را اجرایی نمایند و قطعاً این هدف با توجه به ماهیت جامعه و ابعاد مختلف آن نیاز به برنامه های کارشناسی شده دارد اقدامات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناسب تا جامعه ای با ویژگی ها و ساختار یک سیستم استاندارد شکل گرفته و محیطی ایده آل برای زندگی افراد باشد. (صابری، ۱۳۹۶).

در نظام اسلامی، نهادهایی که نسبتی با تعلیم و تربیت دارند، به میزان دایره عمل و تأثیر خود مسئولیت بیشتری بر عهده دارند. بعد از خانواده، نهادهای تعلیم و تربیتی، مسئول و موظف در این امر می باشند. در این میان آموزش و پرورش وظیفه ای ویژه دارد و باید مبنای مجموعه برنامه های درسی و فعالیت های تربیتی و فرهنگی قرار گیرد. علاوه بر این که رویکرد عام آموزشی در آموزش و پرورش باید رویکرد تربیت دینی باشد، درس تعلیم و تربیت وظیفه دارد که آموزه های دینی را به دانش آموزان آموزش دهد و آنان را به بصیرت کافی در این زمینه برساند.

انتقال ارزش های اساسی و الهی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه ای که مدرسه دانش آموزان را متعهد می سازد ارزش های جامعه را درونی سازند. کودک باید به خوبی تحت سرپرستی و تربیت مربیان قرار گیرد تا استعدادهای او شکفته و تربیتش کامل شود و به مراحل والای انسانی دست یابد. تربیت دینی و مذهبی از مهم ترین و اساسی ترین جنبه های تعلیم و تربیت است که از نهاد خانواده آغاز می شود و در مدارس و دیگر ارگان های آموزشی ادامه می یابد؛ یکی از معمول ترین شیوه های آموزش و پرورش اعتقادات مذهبی، بیان آن ها از زبان معلمان و مربیان است، زیرا کودک با معلم یا مربی، بهتر و راحت تر ارتباط برقرار می کند و تأثیر نقش این افراد، در روحیه و ذهن بشر غیر قابل انکار است. آموزش و پرورش وقتی به ما درس معارف اسلامی می دهد و باعث تقویت ریشه اعتقادات ما می شود باعث تغییر نگاه ما به زندگی می شود و درصدد ایجاد نگاه درست است و این نگاه درست خود باعث تحکیم در زندگی می شود جهان بینی الهی نه تنها ترسیم زیبا و دقیقی از زندگی دنیوی را به خداپرستان ارائه می نماید، بلکه از مصاحبت و نزدیکی با افرادی که تحت لوای جهان بینی مادی هستند نیز برحذر می دارد؛ به دلیل آنکه آن ها به سبب وجود افکار و اندیشه های غلط و شیطانی در قلوبشان، همچون افراد مریض هستند و مرضشان مسری است. لذا، توصیه به تولی و تبری در اینجا نیز و البته به گونه خاص خودش جریان دارد.

قرآن کریم: فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلْيُرِذْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ (نجم) 30. 29 / حال که چنین است از اینها که از ذکر ما روی می گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی طلبند، اعراض کن. این آخرین حد آگاهی آنها است، پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند به خوبی می شناسد، و هدایت یافتگان را از همه بهتر می داند.

بنابراین با بهره گیری از آموزه های قرآنی و درس هایی که در آموزش و پرورش می گیریم می توان نگاه درست به زندگی داشت و درصدد تقویت این رابطه برآمد.

### شاخص های تربیت دینی در دانش آموزان

برای آنکه جریان تربیت دینی در جهت مطلوب صورت گیرد، نیاز به معیارها و شاخص های دقیق و شفاف می باشد. برای آنکه مسئولان مدارس مطمئن شوند که برنامه هایشان توانسته اهداف حیطة تربیت دینی را محقق سازد اولاً باید اصول و روش های علمی برنامه ریزی را در حیطة تربیت دینی مد نظر قرار دهند و ثانیاً عوامل مداخله گر در ایجاد باورها، ارزش ها و نگرش ها و طرز تلقی ها را بشناسند. شاخص های تربیت دینی عبارت اند از:

### معرفت و بصیرت

نوعی آگاهی عمیق برای ایجاد پیوند میان انسان و واقعیت است. ارتقای سطح معرفتی و بینشی یکی از شاخص‌هایی است که باید مورد توجه مربیان باشد؛ زیرا اقدام به تربیت دینی بدون دستیابی مربی به معرفت و بصیرت نسبت به اهداف و محتوا و روش‌های تربیت دینی امکان‌پذیر نیست و همچنین عمل‌متریبیان به محتوای تربیت دینی نیازمند معرفت و بصیرت به احکام، اعتقادات و اخلاق و ارزش‌ها است. (کشاورز، ۱۳۸۷).

### تفکر و تعقل

عقل یکی از سرمایه‌های انسانی و نعمت‌های الهی است که پرورش آن آدمی را در مسیر رشد و کمال هدایت می‌کند. بنابراین مربیان و معلمان باید در فرایند تعلیم و تربیت، نیروی تفکر و اندیشه شاگردان را تقویت کنند و پرورش دهند.

### عزت نفس

عزت نفس یکی از اصول مهم تربیتی اسلام است. تأمین احترام و عزت نفس از هدف‌های مهم انسان است که انسان‌ها در پی دستیابی به آن حاضرند هرگونه فعالیت ریاضت‌طلبانه و مشقت‌انگیزی را تحمل‌کنند تا شایستگی خود را از طریق کنترل و تسلط بر خویش و عوامل پیرامونی به اثبات رسانند. اگر فرد با عزت نفس رشد کند و پرورش یابد، حالتی در او پدید می‌آورد که از مغلوب شدن در برابر عوامل و حوادث جلوگیری می‌کند به گونه‌ای که در هر اوضاع و احوالی استوار خواهد بود. فردی که دارای عزت نفس، اعتماد به نفس و متکی به خود است به ارزش، توانایی، کفایت و موفقیت خویش ایمان دارد و می‌تواند در جهت تحولات مثبت فردی و اجتماعی خویش گام بردارد. (حاج حسینی، ۱۳۸۹)

### کرامت انسانی

از دیدگاه اسلام انسان دارای دو نوع کرامت است: یکی کرامت اکتسابی که شامل درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد است و یکی کرامت ذاتی است که به ذات انسان مربوط است؛ مثل انسانیت که قابل کسب و یا سلب نیست و دارای رتبه و درجه نیست. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۰). و در زمینه تعلیم و تربیت هر دو جنبه کرامت باید مورد توجه قرار گیرد.

### محبت و مهرورزی

یکی از مؤثرترین عوامل در ترویج ارزش‌های اخلاقی و موفقیت در تربیت دینی و اجتماعی، محبت و مهرورزی است زیرا؛ سبب اتحاد و همدلی میان افراد جامعه می‌شود. محبت و مهرورزی، خودخواهی را از افراد می‌گیرد و باعث تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور می‌گردد. محبت با ایجاد الفت و همدلی، باعث تحقق فضایل اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌شود و از بروز رذایل جلوگیری می‌کند. (سیدپور آذر، ۱۳۹۳).

### اعتدال

اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هر کدام از این دو موجب اختلال در بقاء، استمرار و سلامت کارها می‌شود.

### صبر و بردباری

یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین مفاهیم مورد نظر اسلام برای بیان ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، صبر است. هسته اصلی مفهوم صبر، خویش‌داری در برابر سختی‌ها و تنگناها است و در قرآن کریم با مفاهیم دینی مانند ایمان، تقوا و فضایل اخلاقی مانند احسان ارتباط عمیقی دارد.

### حریت و آزادی

آزادی از مفاهیمی است که تعاریف مختلفی برای آن بیان شده است. آنچه مد نظر است، نبودن مانع در برابر اراده عقلانی و شرعی انسان است. اسلام به آزادی ارزش بسیار زیادی داده است. بر اساس دیدگاه اسلام تمام انسان‌ها حراً و آزادند و بنده کسی نیستند. مربیان و معلمان باید این اصول را در تعلیم و تربیت و آموزش فراگیران مد نظر قرار دهند.

### عمل

هدف نهایی تربیت دینی بحث عملگرایی و الزام عملی متریبان به رهنمودهای دینی است. از یک سو مربی باید خود به احکام و ارزش های دینی پایبندی عملی داشته باشد؛ زیرا پایبند عملی نبودن مربی به آنچه می گوید، زمینه بی توجهی فراگیران به گفته های او می شود و پشتوانه عملی ندارد و از سوی دیگر مربی باید بعد از ارائه معرفت و بینش صحیح، زمینه های التزام درونی و عملی را در متریبان فراهم سازد. (کشاورز، ۱۳۸۷).

### نقش مربیان پرورشی و معلم در تربیت دینی

تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می شود آموزش و پرورش آن ها را تحقق می بخشد و جهت می دهد. انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیرممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد. (شعاری نژاد، ۱۳۶۶).

نظام آموزش و پرورش را عناصر مختلفی تشکیل می دهند. همه صاحب نظران و متفکرین، معلم را به عنوان اصلی ترین و موثرترین عنصر این نظام تعریف می کنند، معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و روح نظام آموزشی هر کشور است و با کوشش خردمندان اوست که اهداف متعالی نظام آموزشی کشور محقق می شود. آنچه کودکان، نوجوانان و جوانان در مدرسه کسب می کنند، متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی های علمی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی معلمان است. اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته شده ای است که آشنایی و رعایت آنها توسط معلمان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین می کند، اصولی که راهنمای کلیه اعمال و فعالیت های معلمان قرار گرفته، علم و هنر تکنیک های تربیت را مهیا ساخته و همه جوانب گوناگون رشد و تعالی انسان را به هر سمت و سویی سوق می دهد، بنابراین اگر معلم از اصول تعلیم و تربیت شناخت دقیق و علمی داشته باشد، قویتر و دقیقتر می تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند. با توجه به این مطالب می توان اذعان داشت که اساسی ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی، معلم است. اوست که می تواند حتی نقص کتاب های درسی و امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس بهترین موقعیت را با عدم توانایی خود به محیطی غیر فعال و غیرجذاب تبدیل کند. اطلاعات معلم و در واقع کل شخصیت معلم در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر می گذارد.

معلم مسئول تمام افرادیست که زیردست او تربیت می شوند. در واقع رفتار معلم تأثیر بسزایی بر رفتار و خلق و خوی دانش آموزان خواهد داشت. همانطور که می دانید افراد زیادی در سیستم های آموزشی مشغول به کار هستند که فعالیت هایشان به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تربیت دانش آموزان تأثیر می گذارد، اما در این بین معلم نقش برجسته تری دارد. رابطه ای که دانش آموز با معلم دارد رابطه ای باطنی و معنوی است. هر دانش آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است، اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف پذیر و قابل تغییر می باشد. دانش آموز در هنگام الگوسازی، فرایند ارتباطی عمیق و نوعی همانندسازی را با معلم شروع می کند. در این فرایند، معلم در شکل گیری شخصیت، باورها، ارزش ها و خواسته های دانش آموز در جهت معیارهای دینی نقش مفید و قابل توجهی دارد، ولی اگر کودکی بدون تحلیل و بررسی، که فرصت آن کمتر به دست می آید، الگوپذیری کند، رشد دینی و اخلاقی اش دچار اشکال می گردد.

اگر دانش آموز مفاهیم دینی و ارزشی را که در کلاس می آموزد، در رفتار معلم و شیوه عمل و منش وی مشاهده کند، نه تنها او را به منزله یک الگو استفاده می کند؛ بلکه برای پایداری شناختی، عاطفی و شخصیتی خود نیز بهره می گیرد، ولی اگر دانش آموز آموخته های خود را در معلم نبیند، دچار ناهماهنگی و تضاد شناختی و ارزشی می شود؛ بنابراین ضروری است که معلم به مثابه در دسترس ترین الگوی تربیتی، نقش خود را برای دانش آموز ایفا کند. (کردی، ۱۳۷۸).

نقش الگویی مربی، در تربیت دانش آموزان بر هیچ کس پوشیده نیست. تماس نزدیک مربی با دانش آموزان و نفوذی که بر آنان دارد، نقش مهمی در سلامت فکری و روانی ایشان ایفا می کند. این تأثیر و نفوذ ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت پذیرد و به شیوه های گوناگون مثل تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بروز کند.

### روشهای تربیت دینی:

مقصود از روشها، فنون، شیوه ها و دستور العملهای جزئی است که اهداف آموزش را به ثمر می رسانند. برخی از این روشها عبارتند

از

:

#### 1- روش غیر مستقیم

نتایج استفاده از روشهای غیر مستقیم بسیار مفید تر از روش مستقیم است چرا که در روش مستقیم تذکرات زیاد و متوالی سبب لجاجت و مقاومت منفی می شود و بیان ایرادات و نصایح، احساسات کودک را جریحه دار می کند. علاوه بر این احساس غرور، خودخواهی و احساس خفت ناشی از پذیرش خطا سبب مقاومت روحی فراگیر می شود. روش الگویی، روش استفاده از مثال، قصه گویی، یادآوری نعمات الهی، نمایشی از جمله روشهای غیر مستقیم هستند. ۱۰ در سیره بزرگانی چون آیت... بهجت نیز روش غیر مستقیم بسیار دیده می شود. ایشان هیچ گاه به طور مستقیم به شخص نمی فرمایند این کار را بکن یا نه. بلکه در ضمن داستان یا حدیثی قصور و اشتباه اطرافیان را گوشزد می نمایند. ۱۱

#### 2- استفاده از روشهای فعال

در این روش مشارکت کودکان مد نظر است و مزیت آن تأثیر عمقی آن است، فعالیت گروهی بچه ها، واگذاری مسئولیت به ایشان، وضع قوانین توسط آنها و نظارت و قضاوتشان در مورد افراد خاطی از موارد مهم و موثر است. ۱۲

#### 3- روش تربیت تلقینی

تلقین مثبت به خود و دیگران از روشهای مورد استفاده در تربیت اسلامی است، حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می فرمایند: «یکی از چیزهایی که برای انسان مفید است تلقین است... یک مطلبی که باید در نفس انسان تاثیر بکند با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند به همین جهت اگر استفاده از روش تلقین در تعلم و تربیت به صورت منفی و تحمیل نباشد بلکه به شیوه مثبت، آگاهانه و آزادانه انجام پذیرد بسیار مطلوب و موثر خواهد بود. ۱۳

#### شیوه آموزش برخی مفاهیم دینی:

**مفهوم دین:** در سالهای اول دبستان از پرداختن به معنا و مفهوم واژه دین باید اجتناب کرد زیرا کودکان در این دوره علاقه ای به طرح این مباحث ندارند و فقط باید به تعریف ساده ای بسنده کرد

**مفهوم دعا:** در مورد دعا باید چند نکته را در نظر داشت: دعاها باید متناسب با سن و حوزه درک کودک باشد تا لذت بیشتری ببرد. همچون دعاهای کوتاه و دسته جمعی مثل سرود و مناجات که در روح کودکان موثر است. دیگر اینکه دعاها هر چند وقت یکبار عوض شوند تا تازگی و تأثیر داشته باشند.

در ضمن باید عوامل عدم استجاب دعا را برای کودکان بیان کرد تا شبهه ایجاد نشود که چرا دعایشان مستجاب نمی شود [www.zibaweb.com](http://www.zibaweb.com).

**مفهوم نماز:** زمینه نماز در روح پاک کودکان و فطرت سلیم آنها موجود است و باید آن را باور کنیم. از سنین نخست دبستان باید کودکان را به تدریج با نماز آشنا کرد و آنها را به گزاردن نماز تشویق و ترغیب نمود. قبل از تعلیم باید مفهوم خدا و دعا برای کودک تبیین شده باشد و علت نماز خواندن را نیز بداند. برای این کار می توان از آموزشهای ساده استفاده کرد البته پرداختن به آموزش برخی دیگر از مفاهیم دینی شیوه های خاص خود را دارند که باید از نظم خاصی برخوردار باشند. آموزش اصول دین و دلایل ساده ای برای آنها، پرداختن به خدانشناسی، معاد، وقوع و ضرورت آن، نبوت و نیاز انسان به آن از مسائل مهم علاقه مند کردن کودک به خدا و پیامبران و امامان است.

#### نتیجه گیری



هر چه والدین، معلم یا مربی که تربیت یا قسمتی از تربیت کودک را بر عهده دارند با ویژگیهای کودکان، نکات روانشناسی و تربیتی آنان آشنا تر باشند در امر آموزش موفق تراند

شیوه های آموزش باید اصولی و علمی کاربردی باشند. در آموزش مفاهیم دینی باید عوامل تأثیر گذار را شناخت و آنها را در راستای بهتر شدن امر آموزش جهت داد و از سخنان معصومین - علیهم السلام - بهره جست؛ چرا که اگر دیر شود قلب او مشغول به چیزهای دیگر شده و سخت می گردد و دیگر تربیت او امکان پذیر نبوده یا بسیار مشکل و کم اثر خواهد شد. الگوهای رفتاری کودک باید در درجه اول خودشان مسائل اخلاقی و دینی را رعایت کنند چرا که کودکان الگو پذیران خوبی هستند و معمولاً از پدر و مادر خود الگو می گیرند

در آموزش بیشتر باید از روشهای غیر مستقیم استفاده کرد تا موجب مقاومت روحی در کودک نشود و همچنین روشهای فعال بسیار موثر هستند. در جامعه امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش آموزان برخوردار است و می تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند. معلم، برنامه درسی و گروه دوستان و هم کلاسی ها در تربیت دینی و مذهبی و عبادی نقش دارند.

نتیجه کلی این جستار حاکی از آن است که در تربیت دینی دانش آموزان عوامل مختلفی موثر است که از این میان می توان به نقش معلم و مدرسه که در این راستا مسئولیتی خطیر و نقش اساسی و بنیادین بر عهده دارند، اشاره کرد. تربیت دینی دانش آموزان باید مورد بازنگری قرار گرفته و با شناخت و مهار عوامل مخل و آسیب زا آن را در مسیر درست هدایت نمود و از آنجا که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که مدرسه یکی از موسسات اجتماعی و تربیت پذیر نمودن افراد است، تربیت دینی دانش آموزان در جهت صحیح و درست می تواند یکی از وظایف نهاد مدرسه باشد؛ بنابراین این امر ضرورت می یابد که بررسی فرآیند تربیت دینی دانش آموزان و نقش مدرسه در تکوین این فرایند پرداخته شود.

تعلیم و تربیت دینی زمانی به ثمر می رسد که تدوین یک برنامه آموزش و پرورش بر اساس تعیین هدف های متناسب با سطوح تحول روان شناختی مخاطبان باشد. و زمانی آموزش تعلیمات دینی و تربیت دینی در مدارس اثربخش خواهد بود که با ترغیب دینی در خانه از سوی والدین هماهنگ و همسو باشد در غیر این صورت دانش آموز دچار تعارض شده و بدون درونی شدن مفاهیم دینی در او، رشد شناختی وی دچار تأخیر خواهد شد.

### منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، سیداحمد. (۱۳۷۴). مفهوم تربیت دینی و راه های وصول به آن، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت با عنوان تربیت دینی کودکان و نوجوانان.
- ۲- امینی، ابراهیم. (۱۳۷۳). اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۳- حاج حسینی، نجیب الله. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر شکل گیری و تقویت عزت نفس از دیدگاه اسلام، مجتمعه آموزش عالی فقه.
- ۴- رحیمی نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۰). نگرش اسلامی به کرامت انسانی، مجله معرفت حقوقی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۱۳.
- ۵- سیدپور آذر، حسن. (۱۳۹۳). محبت ورزی در همزیستی اخلاقی از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه تخصصی اخلاق، سال دوم، شماره ۶، صص ۲۴-۵.
- ۶- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۶). مبانی روان شناختی تربیت، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۷- صابری علی. (۱۳۹۶). تعریف جامعه سالم، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶.
- ۸- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۶). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحراف، تهران: نشر بدر.
- ۹- قائمی، علی. (۱۳۶۴). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران: انتشارات امید.
- ۱۰- کردی، عبدالرضا. (۱۳۷۸). نیاز و انگیزه در تربیت دینی دانش آموزان ابتدایی، مجله رشد آموزش ابتدایی، سال سوم، شماره ۱۷.
- ۱۱- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۳). مراحل شکل گیری اخلاق در کودک با رویکرد تحولی، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.

- ۱۲- کاردان، علی محمد. (۱۳۸۷). سیر آرای تربیتی در غرب، تهران: سمت.
- ۱۴- کشاورز، سوسن. (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶، صص ۱۲۲-۹۳.
- ۱۵- محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و شرکت نشر چیستا..